

# تنش‌زدایی و کاهش ریسک در خلیج فارس در سایه خروج نیروهای آمریکایی

به قلم دیوید شنکر (/fa/experts/dywyd-shnkr/)

Sep 12, 2023

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/gulf-de-escalation-and-hedging-shadow-us-retrenchment  
العربية (/ar/policy-analysis/khfd-altsyd-walthwt-fy-alkhlyz-fy-zl-altraj-alamryky/)

Also published in Caravan

درباره نویسنده



دیوید شنکر (/fa/experts/dywyd-shnkr/)

.David Schenker is a Senior Fellow at The Washington Institute and former Assistant Secretary of State for Near Eastern Affairs



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

## هرچند واشنگتن از هرگونه کاهش تنش استقبال می‌کند اما باید هشیار باشد که آشتی در منطقه خاورمیانه ناشی از کاهش اعتماد به ایالات متحده است

هفت سال پس از قطع روابط میان ایران و عربستان سعودی نزدیکی مناسبات دیپلماتیک میان دو طرف در آوریل ۲۰۲۳ با میانجیگری چین واشنگتن را تکان داد. حتی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده آمریکا غافلگیر شدند تا جایی که بیل برنز رییس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) به شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی گفت که ایالات متحده در این توافق «در نقطه کور» قرار داشت و بی‌خبر ماند. علی‌رغم این غافلگیری جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا تفاهم فوق را به عنوان آنچه که «سازا مخالف منافع ایالات متحده نیست» و موجب پیشبرد مسئله «کاهش تنش» در منطقه خلیج فارس می‌شود توصیف کرد.

تنش‌زدایی با ایران از روز اول یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت بایدن بوده است. مراسم تحلیف ریاست جمهوری او نشانی از پایان «کارزار فشار حداکثری» دوران ترامپ علیه ایران بود. در ابتدا تلاش‌های دولت جدید بر دیپلماسی فشرده برای جلب تهران سرکش به بازگشت به برجام متمرکز بود. یعنی توافق هسته‌ای که در سال ۲۰۱۵ امضا شد و ترامپ از آن خارج شده بود. به تازگی واشنگتن انتظارات خود را پایین آورده و در ازای توقف پیشرفت‌های غنی‌سازی در ایران و تعهد تهران به حمله نکردن به نیروهای آمریکایی آزادسازی میلیاردها دلار از پول‌های ایران را پیشنهاد داده است. غنی‌سازی اورانیوم یکی از گام‌های مهم در ساخت سلاح اتمی به شمار می‌رود.

با وجود امتیازهای پیشنهادی دولت بایدن تهران علاقه چندانی به کاهش تنش با واشنگتن نشان نداده است. با این حال عربستان سعودی و امارات متحده عربی به شکل فزاینده مصمم بوده‌اند تا تنش‌زدایی با ایران و دیگر طرف‌های متخاصم را دنبال کنند تا از تنش‌های موجود در منطقه بکاهند. این تغییر جهت از رویارویی به «حسن همجواری» (چنان که مقام‌های سعودی و اماراتی می‌گویند) در قبال ایران و دیگر دشمنان منطقه‌ای دلایل مختلف دارد.

اول اینکه رویارویی کارساز نبود، نه تنها تلاش‌های ریاض برای پایان دادن به جنگ پرهزینه‌اش در یمن علیه شبه‌نظامیان حوثی تحت حمایت ایران به بن‌بست رسیده بود بلکه حوثی‌ها به امارات نیز حمله می‌کردند. همزمان ایران به توقیف کشتی‌ها در خلیج فارس ادامه می‌داد و تهدید می‌کرد که به امارات حمله نظامی خواهد کرد. در عین حال رویکرد آشتی‌جویانه‌تر دولت بایدن در قبال ایران - که شامل خارج کردن حوثی‌ها از فهرست سازمان‌های تروریستی، نگرش سهل‌گیرانه به اجرای تحریم‌ها و اشتیاق مهارنشده برای مذاکرات می‌شد - سیاست‌های خصمانه ریاض و ابوظبی در قبال ایران را نه تقویت می‌کرد و نه حمایت.

دوم اینکه تنش با ایران به‌ویژه حواس و توجه عربستان را از اولویت‌های داخلی خود منحرف می‌ساخت. اولویت ریاض اجرای طرح «چشم‌انداز ۲۰۳۰» است که یک برنامه توسعه بسیار بلندپروازانه با تمرکز بر تنوع‌بخشی به اقتصاد و اصلاح فضای اجتماعی است. این طرح از جمله به دنبال ایجاد یک صنعت گردشگری فراتر از زیارت حج و ترغیب شرکت‌های چندملیتی به انتقال دفاتر اصلی خود به پادشاهی عربستان است. ادامه جنگ سرد با ایران و جنگ واقعی در یمن اجرای این چشم‌انداز را دچار مشکل می‌کرد.

در نهایت و شاید مهم‌تر از همه این است که عربستان و امارات از آنجا که اعتمادشان را به تعهد ارتش آمریکا در قبال شرکای منطقه‌ای از دست داده‌اند به فکر آشتی با ایران افتادند. به طور خاص در طول زمان رشته وقایع و تحولاتی منجر به آن شد که شرکای آمریکا در خلیج فارس اعتبار تضمین‌های ضمنی واشنگتن را در زمینه امنیتی زیر سوال ببرند. امضای برجام - که انگار غنی‌سازی اورانیوم در ایران را تطهیر می‌کرد - و متعاقب آن توصیه پرزیدنت اوباما در نشریه *آتلانتیک* که به سعودی‌ها نصیحت کرد «همسایگی را با ایران سهیم شوند» ناراحت‌کننده بود. کاهش نیروهای آمریکایی و خروج تجهیزات نظامی از شبه‌جزیره عربستان در کنار فقدان پاسخ نظامی موثر از سوی ترامپ به حملات گسترده به تاسیسات بقیق آرامکو در سال ۲۰۱۹ و همچنین سرنگونی پهپاد گلوبال هاوک RQ-4A بر فراز خلیج فارس تردیدها را افزایش داد. با وقوع حوادث بعدی در ژانویه ۲۰۲۲ امارات دلسرد شد چون واکنش دولت بایدن به حمله موشکی و پهپادی حوثی‌ها به پایتخت خود را ضعیف می‌دید. این حمله را اماراتی‌ها «۱۱ سپتامبر» خود تلقی می‌کردند.

قتل هدفمند قاسم سلیمانی از سرداران سپاه پاسداران به دست دولت ترامپ در سال ۲۰۲۰ موقتاً اعتماد منطقه خلیج فارس را به تمایل واشنگتن برای استفاده از زور علیه ایران تقویت کرد اما این رویکرد خوب یا بد ادامه نیافت. حرکت به سمت نزدیکی با ایران مثل چرخش ریاض و ابوظبی به سمت پکن نشان دهنده یک استراتژی کاهش ریسک بود.

اما نزدیک شدن‌ها و تلاش‌ها برای تنش‌زدایی منطقه‌ای تنها به ایران محدود نشده است. عربستان و امارات همزمان با نزدیک شدن به ایران تلاش کرده‌اند تا تنش‌های دیگر در منطقه را نیز کاهش دهند. یک تلاش جداگانه اما مرتبط در این جبهه ادغام مجدد سوریه در نظام جهان عرب است. در سال گذشته ریاض و ابوظبی ابتکاری را برای پیوستن مجدد و احیای سیاسی رژیم بشار اسد پیش برده‌اند. رژیمی که از سال ۲۰۱۱ و سرکوب وحشیانه خیزش مردمی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به طور عمده مطرود شده بود.

شاید زمانی برسد که تصمیم برای فعال کردن مجدد عضویت معلق‌شده دمشق در اتحادیه عرب نیاز به رای اجماعی هر ۲۲ کشور عضو باشد. در ماه مه ۲۰۲۳ نمایندگان تنها ۱۳ کشور برای رای مثبت به بازگشت سوریه در قاهره حضور یافتند.

در حالی که امارات در سال‌های اخیر برخی تماس‌ها با دمشق را آغاز کرده بود اما ریاض تا همین اواخر مخالف پایان دادن به انزوای سوریه بود. چه چیزی تغییر کرد اول واشنگتن از تلاش برای منصرف کردن شرکای خود از تعامل با دمشق دست برداشت و پایان انزوای سوریه را به عنوان تصمیمی که پیشاپیش اتخاذ شده پذیرفت. عربستان سعودی نیز احتمالاً متوجه شد که پذیرش مجدد اسد چه بسا در تهران به عنوان ژستی حاکی از حسن نیت تلقی شود. چرا که تهران نزدیک به چهار دهه است که شراکت راهبردی خود با سوریه را حفظ کرده است. البته ریاض و ابوظبی این امید غیرواقع‌گرایانه را هم داشتند که پیوستن مجدد سوریه به جهان عرب رژیم سوریه را به توقف صادرات کپتاکون آمفتامین محبوب در منطقه خاورمیانه ترغیب کند.

فراتر از سوریه دو کشور عربستان و امارات به دنبال آن بودند که با ترکیه دیگر رقیب دیرینه خود آشتی کنند. مناسبات با آنکارا در دوران ریاست جمهوری رجب طیب اردوغان که حدود ۲۰ سال است در قدرت است برای مدتی دشوار بود اما در دوران بروز «شکاف در منطقه خلیج فارس» در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ زمانی که کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان و امارات تصمیم گرفتند قطر را از جمله به دلیل حمایت از اخوان المسلمین بایکوت کنند به پایین‌ترین نقطه سقوط کرد. در دوران شکاف ترکیه تحت رهبری اردوغان -دیگر حامی اخوان المسلمین- متحد کلیدی قطر بود و این کشور کوچک شبه‌جزیره‌ای را قادر ساخت تا از فشارهای شدید جان سالم به در ببرد. ترکیه در جنگ داخلی لیبی نیز اردوی مخالف امارات را حمایت می‌کرد و با مصر شریک و مشتری نزدیک عربستان در تضاد قرار داشت.

سال گذشته ریاض و ابوظبی خصومت با آنکارا را کنار گذاشتند و اردوغان را در میان خود پذیرفتند. در ماه‌های اخیر این کشورها میلیاردها دلار به ترکیه کمک کرده‌اند. امضای توافق‌های بزرگ برای معاملات تجاری و خریدهای دفاعی اقتصاد متزلزل ترکیه را تحکیم و کارزار انتخاباتی رییس‌جمهورش را تقویت کرد.

بدون شک آنکارا از آشتی با ریاض و ابوظبی سود زیادی برده است. با این حال روشن نیست که تفاهم‌ها با تهران و دمشق چه نتیجه‌ای خواهند داشت. رژیم اسد کماکان همکاری نمی‌کند و بعید است که به مفاد قطعنامه ۲۶۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد که انتقال سیاسی را مطالبه می‌کند تن دهد. به همان اندازه نامحتمل است که رژیم اسد از وضعیت خود به عنوان کشوری که عمده درآمدش از راه تجارت مواد مخدر حاصل می‌شود دست بشوید و توزیع کپتاگون در سراسر منطقه را محدود کند. در این مورد هم که نزدیکی دیپلماتیک با تهران چه تاثیری بر رفتار این حکومت دینی و نیروهای نیابتی آن خواهد گذاشت هنوز باید صبر کرد و دید.

در یمن حتی قبل از رسیدن به توافق رسمی در ماه آوریل آتش‌بسی شکننده برقرار شده بود. نزدیکی با ایران می‌تواند شانس آتش‌بس طولانی‌مدت و حتی شاید توافق صلح رسمی میان حوثی‌ها و ائتلاف تحت رهبری عربستان را تقویت کند. با تمام این‌ها تا به امروز تجدید روابط دیپلماتیک ایران با عربستان و امارات تنش‌ها در آب‌های خلیج فارس را کاهش نداده است. در واقع به تازگی تنش‌ها افزایش هم یافته زیرا تهران بر تلاش‌هایش برای توقیف نفتکش‌ها افزوده است. در همین حال در عراق شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران که به نیروهای حشد شعبی معروف اند -و در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ حملات پهبادی را علیه عربستان انجام دادند- در حال کسب قدرت و نفوذ بیشترند.

در کوتاه مدت در حالی که تجدید روابط دیپلماتیک با تهران ممکن است عربستان و امارات را از حمله مستقیم ایران و/یا نیروهای نیابتی آن مصون نگه دارد اما تهران را در دنبال کردن دیگر سیاست‌های مشکل‌ساز که سهم منطقه‌ای این کشورها را به چالش می‌کشد مهار نخواهد کرد. با این همه با توجه به کم بودن سطح انتظارات ریاض و ابوظبی ممکن است این تنش‌زدایی ظاهری را موفقیت‌آمیز تلقی کنند. این کاهش جزئی تنش میان طرف‌ها برای دولت بایدن یک اتفاق خوشایند است گرچه با این پارادوکس همراه است که استقرار نیروها و سخت‌افزارهای نظامی ایالات متحده در خلیج فارس همزمان افزایش یافته است. نگرانی واقعی این است که این آشتی تا حد زیادی محصول کاهش اعتماد به واشنگتن است.

دیوید سنکر هموند ارشد تاوب در انستیتو واشنگتن و مدیر برنامه روبین در سیاست عرب است. این مقاله ابتدا در وبسایت موسسه هور ( <https://www.hoover.org/research/gulf-de-escalation-and-hedging-shadow-us-retrenchment> ) منتشر شده است.



RECOMMENDED



ARTICLES & TESTIMONY

## The War Hamas Always Wanted

اکتبر ۲۰۲۳ ۱۱



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/war-hamas-always-wanted\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

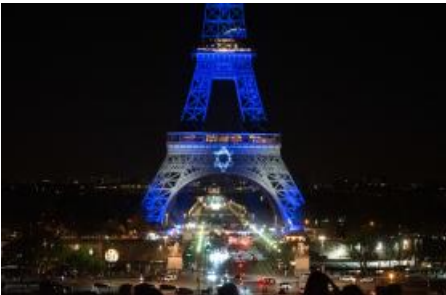
## What Israel Must Do

اکتبر ۲۰۲۳ ۱۱



Dennis Ross

[\(/policy-analysis/what-israel-must-do\)](#)



BRIEF ANALYSIS

## International Reactions to the Hamas Attack on Israel

اکتبر ۲۰۲۳ ۱۱



Cleary Waldo ,  
Gabriel Epstein ,  
Sydney Hilbush

[\(/policy-analysis/international-reactions-hamas-attack-israel\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\)](#) سیاست آمریکا

[\(fa/policy-analysis/khlyj-w-syast-hwzh-anrzhly/\)](#) خلیج و سیاست حوزه انرژی

REGIONS & COUNTRIES

